

مقدمه

بدون تردید در میان زنان و بانوان اسلامی، فاطمه زهرا (ع) محبوبترین چهره دینی، علمی، ادبی، تقوی و اخلاقی در میان مسلمانان و دیگر مردم جهان به شمار می رود. شخصیت فاطمه زهرا (ع) سده نساء العالمین (سرور زنان جهان) اسوه و الگویتام و تمام برای تمام زنان عاشق عفت و فضیلت است. در دامن پاک فاطمه زهرا (ع) بود که دو امام بزرگوار و دو شخصیت ممتاز عالم بشری، حضرت امام حسن (ع) مظهر حلم و وقار و حضرت امام حسین (ع) سرور شهیدان تربیت یافتند، و نیز زینب کبری (ع) حماسه مجسم و مجسمه شجاعت و نمونه کتنا در سخنوری و حق طلبی که پیام حسنیو حماسه عاشورا را در جهان اعلام کرد و نقاب شرک و اوستیو دنیاپرستی را از چهره زید و زیدان به یک سو زد. کسست که نداند که مادر در تربیت فرزندان بویژه دختران، سهم بسار زیادی دارد، و فاطمه زهرا (ع) بود که روح آموزش و پرورش اسلام را در مهد عفت و کانون تقوی خانوادگی به پسران و دختران خود آموخت. پدر و مادر: فاطمه گمانه دختر بازمانده پغمبر (ص) از خدجه کبری می باشد. چه بگویم درباره پدریکه پغمبر خاتم و حبیب خدا و نجات دهنده بشر از گمراهی و سهو کاری بود؟ چه بگویم درباره پدریکه قلم را توان وصف کمالات اخلاقی او نیست؟ و فصیحان و بلغان جهان در توصیف سجاایاد او عاجز مانده اند؟ و اما مادرش خدیجه دختر خودم از نیکوترین و عفت مترین زنان عرب قبل از اسلام و در دوره اسلامینخستین زنی که به پیامبر اکرم (ص)، شوهرش، ایمان آورد و آن چه از مال دنیا در اختیار داشت - در راه پیشرفت اسلام - کرمانه بذل کرد. درجه وفاداری خدیجه (ع) نسبت به پیامبر (ص) را در بذل مال و جان و هستی اش، تاریخ اسلام هرگز فراموش نخواهد کرد. همچنین که پیامبر اکرم نیز تا خدیجه زنده بود زینب نگرفت و پیوسته از فداکارهای او اد می کرد. از عا شه، زوجه پیامبر (ص)، نقل شده است که گفت: "احترام هیچ یک از زنان به پای حرم و عزت خدیجه نمی رسد. رسول الله (ص) پیوسته از او به نیکو اد می کرد و به حدی او را محترم می شمرد که گو از نیمانند خدیجه نبوده است." عا شه سپس نقل می کند: روزیکه پغمبر (ص) گفتیم: او به زنی به ش نبوده است، پغمبر سخت بر آشفته به طوری که رنگ پیشانی اش برآمد. سپس فرمود: به خدا سوگند بهتر از خدیجه کسی برای من نبود. روزیکه همه مردم کافر و بت پرست بودند، او به من ایمان آورد. روزیکه همه مرا به جادوگری و دروغگویی نسبت می دادند، او مرا تصدیق کرد، روزیکه همه از من روی می گرداندند، خدیجه تمام اموال خود را در اختیار من گذاشت و آنها را در راه من بیدار خرج کرد. خداوند از او دختریکه به من بخشید که مظهر پاک و عفت و تقوی بود. عا شه سپس می گوید: به پغمبر عرض کردم از این سخن نظر بدی نداشتیم و از گفته خود پشیمان شدم. باری، فاطمه زهرا (ع) چنین مادری داشت و چنان پدری. گفته اند: خدیجه از پغمبر (ص) هفت فرزند آورد: قاسم که کنه ابو القاسم برای پغمبر از همسرش فرزند پیدا شد. و یقبل از بعثت در دو سالگی درگذشت. عبدالله اطیب که او هم قبل از بعثت فوت شد. طاهر، که در آغاز بعثت متولد شد و بعد از بعثت درگذشت. زینب که به ازدواج ابو العاص درآمد. رقیه که ابتدا با عتب و پس از آن با عثمان بن عفان ازدواج کرد و در سال دوم هجرت درگذشت. ام کلثوم که او نیز به ازدواج عثمان - پس از رقیه - درآمد و در سال چهارم هجرت درگذشت. هفتم فاطمه زهرا (س) که به ازدواج حضرت علی (ع) درآمد و سلاله پاک امامان بزرگوار ما ثمره این ازدواج پر شوکت و برکت است. ولادت فاطمه زهرا (ع) را روز بیستم جمادی الثانی سال پنجم بعثت می دانند که در مکه اتفاق افتاد. بنابراین در هنگام هجرت، سن آن بانوی گمانه نزدیک نه سال بوده است. نامها و لقبها یکه فاطمه (ع) دارد، همه بازگونده صفات و سجاای ملکویتی اوست، مانند: صدقه طاهره، زکوة، زهرا، سده النساء العالمین و خیر النساء و بتول ... کنه های آن حضرت: ام الحسن، ام الحسنین، ام الائمه ... و شگفت تر از همه "ام ابها" معنی "مادر پدرش" می باشد که نشان دهنده علاقه بسار از مادر فاطمه (ع) است به پدر بزرگوارش و این که با همه کمیسن از آغاز کودکی پناهگاه معنوی و تکیه گاه روحی - بعد از خداوند متعال - مانند خدیجه برای پدر بزرگوارش بوده است. لقب ام ابها را پغمبر (ص) به دختر عزیزش عنایت کرد. چون کلمه "ام" علاوه بر مادر، به

معنی اصل و منشأ هم به کار می رود و مانند " ام الخبائث " که به شراب (سرچشمه همه ز آنها و بد بها) می گویند و " ام القری " که به مکه معظمه گفته می شد، بنابراین ام ابیها به معنی منشأ و اصل و مظهر نبوت و ولایت است، و براسی زهرا (س) درخت ساه گسترید بود که موه هایش ر بن امامت و ولایت را به بار آورد.

دوران زندگی فاطمه زهرا (ع):

فاطمه زهرا (س) وارث صفات بارز مادر بزرگوارش خدیجه بود - در جود و بخشش و بلندینظر و حسن تربیت وارث مادر و در سجا ایملکوتی وارث پدر و همسری دلسوز و مهربان و فداکار برای شوهرش علی (ع) بود. در لوح دلش جز خداپرستی و عبادت خالق متعال و دوستداری پامبر (ص) نقشی نبسته و از ناپاکی دوران جاهلیت و بت پرستی به دور بود. نه سال در خانه پر صفای مادر و در کنار پدر و نه سال دیگر را در کنار شوهر گرانقدرش علی مرتضی (ع) دوش به دوش وی در نشر تعلمات اسلام و خدمات اجتماعی و کار طاقت فرسای خانه، زندگی کرد. اوقاتش به تربیت فرزند و کار و نظافت خانه و ذکر و عبادت پروردگار می گذشت. فاطمه (ع) دختری است که در مکتب تربیت اسلام پرورش یافته و ایمان و تقوا در ذرات وجودش جاگزیب شده بود. فاطمه در کنار مادر و آغوش پر مهر پدر تربیت شد و علوم و معارف الهی را از سرچشمه نبوت فراگرفت و آنچه را به سالها آموخته، در خانه شوهر به مرحله عمل گذاشت و همچون مادری سالخورده و کدبانو بی آرموده که تمام دوره های زندگی را گذرانده باشد - به اهل خانه و آسایش شوهر و تربیت فرزندان - توجه می کرد و نیز آنچه را در برون خانه می گذشت، مورد توجه قرار می داد و از حق خود و شوهرش دفاع می کرد.

چگونگی ازدواج فاطمه (ع) و علی (ع):

از آغاز معلوم بود و همه می دانستند که جز علی (ع) کسی همسر (کفو) فاطمه دختر پامبر عالی قدر اسلام نیست. با وجود این، بسیاری از ااران و کسانی که خود را به پغمبر (ص) نزدیک احساس می کردند، به این وصلت چشم داشتند و این آرزو را در دل می پروردند. نوشته اند: پس از این آزمونها عده ای از اصحاب به حضرت علی (ع) می گفتند: چرا برای ازدواج با گانه دختر پغمبر (ص) اقدام نمی کنی؟ حضرت علی (ع) می فرمود: چه زیندارم که برای این منظور قدم پیش نهم. آنان می گفتند: پغمبر (ص) از تو چه زینمی خواهد. سرانجام حضرت علی (ع) زمه را برای طرح این درخواست آماده کرد. روزی به خانه رسول اکرم (ص) رفت. اما شدت حایمانع ابراز مقصود شد. نوشته اند دوسه بار این عمل تکرار کرد. سومین بار پغمبر اکرم (ص) از علی (ع) پرسید: آیا حاجتداری؟ علی (ع) گفت: آری. پغمبر فرمود: شاید برای خواستگاری زهرا آمده ای؟ علی عرض کرد: آری. چون مشیت و امر الهی بر این کار قرار گرفته بود و پامبر از طریق وحیبر انجام دادن این مهم آگاه شده بود، می باست این پشهاد را با دخت گرامش نیز در مان بگذارد و از نظر او آگاه گردد. پامبر (ص) به دخترش فاطمه گفت: تو علی را خوب می شناسی، علی نزد کترین افراد به من می باشد. در اسلام، سابقه فضیلت و خدمت دارد. من از خدا خواستم برای تو بهترین شوهر را برگزیند. خداوند مرا به ازدواج تو با علی امر فرموده است. بگو چه نظر داری؟ فاطمه ساکت ماند. پغمبر سکوت او را موجب رضا دانست و مسرور شد و صدای تکبیرش بلند شد. آن گاه پامبر (ص) بشارت این ازدواج را به علی (ع) فرمود و مهر فاطمه را 400 مثقال نقره قرار داد و در جلسه ای که عده ای از اصحاب بودند، خطبه عقد را قرائت کرد و این ازدواج فرخنده انجام شد. گفتنی است که علی (ع) جز یک شمشیر و یک زره و شتری برای آب کشی چیزی در اختیار نداشت. پغمبر (ص) به علی فرمود: شمشیر را برای جهاد نگه دار، شترت را هم برای آب کشی و سفر حفظ کن، اما زره خود را بفروش تا وسایل ازدواج فراهم شود. پغمبر (ص) به سلمان فرمود: این زره را بفروش. سلمان زره را به پانصد درهم فروخت. سپس گوسفندی را کشتند و ولیمه عقد ازدواج دادند. این جشن در ماه رجب سال دوم هجرت انجام شد. تمام وسایلی که به عنوان جهز به خانه فاطمه زهرا (ع) دخت گرامی پامبر (ص) آورده شده است، از 14 قلم تجاوز نمی کند: چارقد سرانداز - دو عدد لنگ - یک قطفه - یک طاقه چادر پشمی - 4 بالش - یک تخته حصیر - قند چوبی - کوزه گلی - مشک آب - تنگ آبخوری - تختخواب چوبی - یک طشت لباسشویی - یک آفتابه

- يك زوج دستاس و مقدار عطر و بخور. ۱. ن است چه ز ه و تمام اثاث خانه فاطمه زهرا زوجه علی (ع) سرور زنان عالم. در شب زفاف - به جای خد چه که به جهان باقی شتافته بود، سلمیه دختر عمه س مواظبت از فاطمه زهرا را بر عهده داشت - و رسول اکرم (ص) خود شخصا با عده ای از مهاجر و انصار و اران باوفا در مراسم عروسی شرکت فرمود - از بانک تکبر و تها ل فضای کوچک هاید نه روحانی خاص افته بود و موج شادی و سرور بر قلبها می نشست. پ امیر گرامی دست دخترش را در دست علی گذاشت و در حق آن زوج سعادت مند دعا بخ ر کرد و آنها را به خداوند بزرگ سپرد. و بد ن سان و با هم ن سادگی عروسی بهتر ن مردان و بهتر ن زنان جهان برگزار شد.

از شادی و اندوه؛ تا اندوه؛

در سال ازدهم هجری در آخر ماه صفر رحلت جانگداز پ امیر (ص) پش آمد و چه درد آور بود جدا یان پدر و دختر - پدری چون پ امیر گرامی که هم شه هنگام سفر با آخر ن کسی که وداع می کرد و او را می بو د و می بوس د، دخت گرامش بود و چون از سفر بازمی گشت، اول ن د دار را با دخترش داشت. پ وسته از حالش جو امی شد و راز و باز را زها را در گوش جانش می گفت و دختری که پ وسته از کودکی در کنار پدر بود و از او پرستاری می کرد، گاهی با زنان هاشمی به م دان جنگ می شتافت تا حال پدر را جو ا شود. چنانکه در جنگ احد که به دروغ آوازه در افتاد که پ امیر (ص) در جنگ کشته شده، به دامنه کوه احد شتافت و سر و صورت خون ن پدر را شستشو داد و از خاکستر حص ری که سوخته بود بر جراحات پدر پاش د و از زخمهای آن حضرت مواظبت کرد تا بهبود افت - دختری که لحظه به لحظه که از کارهای خانه داری و بچه داری فراغت می افت، به خدمت پدر می رس د و از د دارش بهره مند می شد ... آری لحظه جدا یان چند ن پدر و دختری فرارس د و چه زود فرارس د. پ امیر (ص) در بستر ب ماری افتاد و رنگ رخسارش نما انگر واپس ن لحظات عمرش بود. عا شه روا ت می کند که پ غمبیر (ص) در حالت جان دادن و آخر ن رمقهای ح ات، دختر عزیزش فاطمه (ع) را خواست و نزد کش نشاند و در گوش او رازی گفت که فاطمه سخت به گره افتاد. پس از آن سخن د گری گفت که ناگهان چهره فاطمه شکفته شد. همگان از د دن ان دو منظره متضاد متعجب شدند. راز ان راز گو یرا از حضرت فاطمه زهرا خواستند، فرمود: نخست پدرم خبر مرگ خود را به من گفت، بس از محزون شدم و عیان شک با یاز دستم بشد، گره کردند، او ن ز متأثر شد، د گره بار در گوشم گفت: دخترم! بدان تو نخست ن کسی از خانواده هستی که به زودی به من ملحق خواهی شد. به شن دن ان ن بشارت خوشحال شدم. پدرم فرمود راضی هستی که "سده نساء العالم ن و سده نساء هذه الامة" باشی؟ فاطمه گفت: به آنچه خدا و تو بپسند د راضی ام. باری، فاطمه سرور زنان عالم و سرور زنان ان امت - ان ن نو گل خندان باغ رسالت بر اثر تندبادهای حوادث، زود پر پر شد و چندی بعد از پدر بزرگوارش به وی پ وست. وه که چه کوتاه بود عمر آن ملکه اسلام. آری، مرگ پدری مهربان و دگرگونهای که پس از رسول خدا (ص) روی نمود، روح و جسم دختر پ غمبیر (ص) را آزرده ساخت. وی در روزها ی که پس از مرگ پدر ز ست، پ وسته رنجور، پژمرده و گران بود. هرگز رنج جدا یی پدر را تحمل نمی کرد و برای هم ن بود که چون خبر مرگ خود را از پدر شن د لبخند زد. او مردن را بر ز ستی جدا از پدر، ترجیح می داد. سرانجام، آزرده گها و ناتوانی تا بدان جا کش د که دختر پ غمبیر (ص) در بستر افتاد. در مدت ب ماری او، از آن مردان جان بر کف، از آن مسلمانان آماده در صف، از آنان که هر چه داشتند، از برکت پدر او بود، چند تن او را دلداریدادند و ا به د دنش رفتند؟ ظاهرا جز کی دو تن از محرومان و ستم دگان چون بلال و سلمان کسی از ان بانوی گرانقدر غم خواری نکرد. اما زنان مهاجر بو ژه انصار، که از آزرده گوی و ب ماری فاطمه (ع) خبر افتند، با مهربانی نزد او گرد آمدند و از او عادت و دلجو ینمودند. دختر پ امیر (ص) در بستر ب ماری ن ز، در پاسخ کسانی که از او احوالپرسی می کردند، سخنانی فصیح و بلاغ بر زبان می راند. سخنانی که در آن روز، درد دل و گله و شکوه بانوی پداغد ده و ستم رسده می نمود، اما بحق امت اعلام خطری بود، که مسلمانان را از تفرقه افکنی و فتنه انگ زیدر آ نده ب م می داد. باری، دخت پ امیر (ص) گفتنهای را گفت و بر اثر مصائب جانکاه و دوری از پدر مهربان گرانقدرش رسول مکرم (ص) به "گلشن رضوان" شتافت.

است مرتضی سوز تفسیر بهترین است رنجها گوی قصه فاطمیه

است علی خونبار چشم حال شرح است علی اشعار جنگ فاطمیه

است ساله هجده زهرای قصه	است لاله داغ شعر فاطمیه
است کامل کتاب یک احتجاجش	است دل افروز آتش فاطمیه
هاست نامرد نامردی شاهد	است ها درد چاک سینه فاطمیه
را میخ گدازد آتش دل در	را تاریخ زد مهر فاطمیه
ای پروانه با کشتند را شمع	ای خانه درب سوخت فاطمیه
کرد باز را علی داغ دفتر	کرد ساز را دل سوز فاطمیه
است پرور زینب صبر مقام در	است دیوارودر شرح فاطمیه